

باورهای هندی از توحید تا شرک

شهره جوادی

استادیار گروه مطالعات عالی هنر پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
shjavadi@ut.ac.ir

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی "تأثیر متقابل هنر ایران و هند" و برداشت‌های میدانی سفری مطالعاتی است که در سال ۱۳۹۱ توسط مرکز پژوهشی نظر برگزار شد.

چکیده

فرهنگ دینی سرزمین هند در دسترس مردم نبود و متون دینی فلسفی و عمیق در اختیار طبقه "خواص و روحانیون" قرار داشت. از این رو دین عوام با مجموعه‌ای از اشعار، افسانه‌ها و مناجات‌های عارفانه و گاه نامفهوم طی سالیان دراز به نام وید (بید) یعنی دانش هندی گردآوری شد. این مجموعه به عنوان قدیمی‌ترین کتاب مذهبی مدون عالم شناخته شده که مادر ادیان هندی است؛ اکثر پژوهشگران از آن به عنوان دین یاد نمی‌کنند و آن را فرهنگ و آیین زندگی می‌شمارند. دین، آیین و باورهای رایج در سرزمین هند با ماجراهایی افسانه‌وار، مبهم و شگفت‌انگیز در میان خواص حضور داشته است. آنچه از ظاهر آیین‌های هندویی برمی‌آید شرک، بت‌پرستی و خرافه‌گرایی است اما حقیقت آن چنین نیست. پیشینه آیین هندو و مکاتب و فرقه‌های منشعب از آن بیانگر یکتاپرستی و اعتقاد به وحدانیت خالق است. چنانکه آریاییان هندوایرانی همواره یکتاپرست بوده و جلوه‌های گوناگون طبیعت را در قالب خدایان ستایش می‌کردند؛ آنها هرگز بت‌پرست نبوده و در عین باورهای کثرت‌گرا، به توحید معتقد بودند. تلقی دین‌های سامی از توحید با هندوئیسم به عنوان دینی تکوینی متفاوت است. پژوهش‌های میدانی نگارنده در سرزمین هند و گفتگو با متفکران حاکی از آن است که امروز آیین‌های رایج در هندوئیسم صورت تحریف‌یافته‌ای از باور توحیدی است که در منشأ خود چنانکه در اوپانیشادها آمده به یگانگی آفریدگار معتقد بوده است. هندوئیسم را نیز می‌توان مانند سایر ادیان توحیدی ابراهیمی که ضمن اعتقاد به یگانگی خالق، در سایر مشخصات و تفسیرهای خود از هستی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، گونه‌ای باور اولیه به یگانگی خداوند و معتقد به توحید خالق دانست که به دلایل تاریخی دچار تحریف‌هایی شده، به شکل امروزی درآمده و با حقیقت باور توحیدی آن فاصله‌ای زیاد پیدا کرده است.

واژگان کلیدی

توحید، شرک، هندوئیسم، عرفان، تمثیل.

مقدمه

غیرابراهیمی، سایر ادیان است. همه ادیان به اعتبار نگاه عرفانی توحیدی هستند. چون هر دینی به هر حال یک مرکز ساحت قدسی دارد. این مرکز، نوری است که شعاع‌های مختلف همه به سوی او می‌آیند. مجتبیایی، مرکز ساحت قدسی را به خدا تعبیر می‌کند که دین‌داران آن دین به آن اعتقاد دارند. این ساحت قدسی جز یک ساحت واحد نمی‌تواند باشد، مثلاً ویشنوپرستی یک دین توحیدی است؛ چون ویشنو را خدای واحد می‌دانند، شیواپرستی یک دین توحیدی است و ایزدان و موجودات پرستیدنی دیگر را جلوه‌هایی از آن حقیقت واحد می‌داند.

جوهر ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی یکی است، یعنی حضور در ساحت قدسی و پیوستن و اتصال به مرکز آن. بعد ایمانی و رابطه عابد و معبود نیز در هر دو گروه یکی است، بنابراین دین‌داری فطری انسان در جایی به شکلی عمل کرده و در جای دیگر به شکلی دیگر (مجتبیایی، ۱۳۸۲: ۲۰، ۲۱، ۳۸ و ۳۹).

چنانکه ابن عربی فرموده:

عقدالخلايق في الاله عقايد وانا اعتقدت جميع ما عقوده
يعني تمام آفريده‌هاي خداوند نسبت به او باورهايي دارند و من به همه باورهاي آن‌ها اعتقاد.

«شيخ محمود شبستري» نیز با همین مضمون آورده:

مسلمان گر بدانستی که بت چیست

يقين کردی که دین در بت‌پرستی است
ادیان و باورهای گوناگون جهان تحولات بسیاری داشته‌اند، گاه چنان از حقیقت خود دور شده که تشخیص جوهر و اصل دین یعنی آنچه از ابتدا بوده، با آنچه هست و در گذر زمان شکل گرفته بسیار دشوار و حتی ناممکن است. به گواهی تاریخ از آنجاکه فلسفه دینی هندو و جوهر اصلی هندوئیسم با اعتقاد به یکتاپرستی فقط در اختیار روحانیون و طبقه خواص قرار داشت، دین عوام به صورت مجموعه‌ای از اشعار، افسانه‌ها و مناجات‌های عارفانه در کتاب "ودا" جمع‌آوری شد و از طریق روحانیون در اختیار مردم قرار گرفت؛ که در طی زمان تغییرات و انحرافات بسیار داشته و کم‌کم به بت‌پرستی کشید (مهین‌پو، ۱۳۴۰: ۷-۶). از این‌رو برای شناخت و پژوهش در ادیان مختلف شرایطی توسط صاحب‌نظران ارائه شده که شرط دستیابی به حقیقت دین است.

فتح‌اله مجتبیایی برای این مقصود چهار شرط را برشمرده: اول، شرط زبان، دوم، نیت درست که مقصود فهمیدن دین باشد نه رد کردن آن، سوم، داشتن زمینه عاطفی نسبت به دین‌داران، چون علاوه بر اینکه مخلوق خدا هستند خدا دوستشان دارد، پس باید ببینید که خداوند برای این مردم چگونه جلوه‌گر شده است و چهارم، داشتن تجربه دینی مشترک. ایشان کارسازترین روش در دین‌پژوهی را روش پدیدارشناسانه دانسته و مطالعات تطبیقی را در فهم پدیده‌های دینی بسیار مؤثر می‌دانند (مجتبیایی، ۱۳۸۲: ۱۷ و ۱۹).

منشأ اعتقادات هندوئیسم، آیین رایج در سرزمین هند با بیش از یک میلیارد پیرو، موضوع مورد اختلافی است که برحسب تعدد خدایان امروز آن و امکان تفسیر گشاده‌ای که برای پیروان آن و قائل شدن به خدایان جدید باقی است نظرات متضادی وجود دارد. از جمله آثار انتقادی که بر توحیدی نبودن آیین هندو نظر دارد و آن را مذهبی شرک‌آمیز به حساب آورده کتاب "بودا چه می‌گوید و برهما کیست؟" از محمد مهین‌پو (۱۳۴۰) است. در مقابل، تحقیقاتی درباره هندوئیسم به توحیدی بودن اصل و ریشه این مذهب و دگردیسی آن در طول سالیان متمادی قائل است. استاد «جلالی نایینی» در ترجمه کتاب اوپانیشاد (سر اکبر) (۱۳۸۱)، مقاله «ادیان هند» (۱۳۸۲) در گفتگو با دکتر فتح‌اله مجتبیایی و استاد مطهری در کتاب «انسان کامل» از قول علامه طباطبایی در «تفسیر المیزان» و «قرآن در اسلام» این نظر را ابراز کرده‌اند.

چنانچه با نگاه عرفانی به ادیان نگریسته شود در جوهر و حقیقت تمامی آن‌ها نوعی از توحید و یگانه‌پرستی وجود دارد؛ براساس نظر اصالت وجود، تمام عناصر و اجزای هستی، به رغم تفاوت در ماهیت، از وجود واحد باری تعالی صادر شده‌اند. ذات واجب‌الوجود به عنوان مبدأ آفرینش عین وجود و صرف هستی است و آنچه از حق صادر می‌شود، چیزی جز وجود اشیاء نیست. همه اشیاء و موجودات با وجود استقلال ظاهری در واقع یک چیز هستند و یک اثر دارند، یعنی در عرصه هستی چیزی جز هستی نیست، گرچه اختلاف ظاهری آن‌ها کثرت را نمایان می‌کند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۸: ۵۵ و ۴۷). تشابهات بسیاری در آیین^۲ و آداب ادیان مختلف به چشم می‌خورد، چنانکه بزرگانی چون «ابن عربی»، «شبستری»، «کوماراسوامی»، «راداکریشنان»، «مجتبیایی»، «شایگان»، «علامه طباطبایی» و دیگران به این موارد اشاره داشته‌اند. پژوهش حاضر اجمالاً به نقل نظریاتی از این متخصصین در زمینه هندوئیسم و اسلام پرداخته و برآن است پرده از اتهامات موجود در زمینه شرک و بت‌پرستی هندوان بردارد.

فرضیه

هندوئیسم، آیینی تکوینی است که به دلایل پنهان‌ماندن در نزد خواص، تعبیر عامیانه آن دچار تحریف شده و حقیقت آن علی‌رغم ظاهر شرک‌آمیز و بت‌پرستی، اعتقاد به توحید و یکتاپرستی است. تلقی توحید در هندوئیسم با دین‌های سامی تفاوت دارد.

ساحت قدسی ادیان

ادیان به ابراهیمی و غیر ابراهیمی تقسیم می‌شوند؛ ابراهیمی یعنی یهودیت، مسیحیت، اسلام و فرقه‌های جداشده از آنها و

فلسفه هندوئیسم

دین اصیل هندویی با آنچه امروز بین هندوان رایج است تفاوت‌های شگرف دارد، چنانکه جمعیت کثیر هندو به آیین و مناسکی وابسته و در قالبی فرو رفته‌اند که گویا زمان برای آنان متوقف شده است. با وجود توانمندی‌های علمی و تکنولوژیک، برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و عدم وابستگی به غرب هنوز در میان روشنفکران و اқشار تحصیلکرده هندی پایبندی به آداب و ظواهر خرافی و تخدیری دیده می‌شود. گرچه رسوم و آیین‌های اسلامی نیز گاه به خرافه و انحراف کشیده شده، اما در سرزمین هند، مسلمان و هندو، زرتشتی، بودایی، جینی و فرقه‌های گوناگون برآمده از این مذاهب چه آنان که مستقل‌اند و چه فرقه‌های سیاسی وابسته، جملگی در بند ظواهر آیینی گرفتار آمده و به نظر می‌رسد در تثبیت خوی و منش تساهل و تعامل‌گرایانه نقش دارند. از این‌رو جهت شناخت و تحلیل وضع موجود آیین هندو با توجه به پیشینه دین و باور هندویی به چکیده‌ای از مطالب مهم و کلیدی در این خصوص اشاره می‌شود.

در فلسفه هندو میان عقیده به خدایی که دربردارنده همه، سرشارکننده همه و همواره حاضر است، با خدایان گوناگون هندو، تناقضی وجود ندارد. مجسمه‌های خدایان در آداب مذهبی به تمرکز عشق و پرستش کمک می‌کنند و تصویرهای خیالی از جلوه‌های بی‌پایان خدای واحدند که همه قابل احترام هستند. اما این پیکره‌ها خود برهما، ویشنو یا شیوا نیستند بلکه آنها را فقط مجسمه و رمز نشان‌دهنده آنان می‌دانیم؛ در حقیقت تصدیق می‌کنیم تنها خدا مطلق است، او تنها سروری است که بر همه تواناست (کشیتی، ۱۳۵۴ : ۵۰ و ۴۹). این نگاه ویژه انسان دیندار ایرانی و هندی است. قبول تکثر به این وضوح در هیچ جای دیگر پیدا نمی‌شود. در میان ادیانی که چارچوب اعتقادی محکمی دارند، تنها در تفکر ایرانی و هندی این تکثر یافت می‌شود. "آنچه قوم هند و ایرانی را از دیگر اقوام جهان باستان متمایز می‌سازد آنست که این قوم نه عقاید بت‌پرستانه داشتند و نه نیاپرستانه، بلکه خدایانشان عموماً تظاهرات سودمند طبیعت بودند. هر کدام از این خدایان بنا بر تأثیری که بر طبیعت پیرامون و زندگی انسان داشت، مورد پرستش واقع می‌شد. خورشید و آسمان مقام نخست را داشتند، چنانکه در کتاب ریگ ودای آریاییان مهاجر به هند معمولاً نام این دو در نیایش‌ها به همراه هم می‌آید" (معین، ۱۳۵۵ : ۳۶). "بسیاری از ایزدان آریایی با پدیده‌های طبیعت ارتباط داشتند و نیایش آن‌ها در همه‌جا و در هر حال با دگرگونی‌های این پدیده‌ها در روز و شب، در سرما و گرما، و در بهار و تابستان مربوط می‌گشت" (زرین کوب، ۱۳۶۴ : ۲۶)؛ (تصویر ۱). عقیده خواص هندیان درباره خدای تعالی که او را ایشوار (Ishvara) نام‌گذارده‌اند یعنی بی‌نیاز و بخشنده‌ای که می‌دهد و نمی‌گیرد این است که او یکتا، ازلی و ابدی است و آغاز و انجام ندارد و در کار خود توانا، حکیم و مدبر است.

کتاب «گیتا» که جزئی از کتاب «بهارات» است نیز می‌گوید: من کل موجودات هستم، و آغاز هستی من از ولادت شروع نشده و هرگز وجودم به ممات و وفات پایان نمی‌پذیرد، و برای کار خود مکافات و جزایی قصد نکرده‌ام و به طبقه‌ای خاص اختصاص ندارم، که با کسی دشمنی کنم یا با طایفه‌ای دوستی داشته باشم (بیرونی، ۱۳۶۲ : ۱۴ و ۱۵).

کوماراسوامی کیش هندویی را چندخدایی صرف نمی‌داند مانند خدایان پرستی (Paganisme) یونانیان و رومیان. فرضیه چندخدایی هندوان همواره مبتنی بر یک سلسله تمثیل و صور تمثیلی بوده که اسطوره (myth) و ارباب انواع گوناگون در حکم آیین‌ها و مظاهری بوده‌اند که صفات ربانی در آن‌ها متجلی است (شایگان، ۱۳۶۲ : ۳).

اوپانیساده‌ها و توحید

در زمان اکبرشاه، پسرش جهانگیر، نوه‌اش شاه‌جهان و پسرانش بسیاری از متون دینی و فلسفی هندویی به زبان فارسی ترجمه شد. مسلمانان که تا آن وقت هندوها را کافر و بت‌پرست می‌دانستند، فهمیدند در دین هندویی نیز معنویت و عرفان به چشم می‌خورد.

تصویر ۱. درخت مقدس معبد شیوا، پوشکار، هند. عکس: شهره جوادی، ۱۳۹۱.



تفسیر نمود با این کیفیت که بیشتر مطالب آنها بر پایه عدم دوگانگی در وجود فراهم آمده است" (اوپانیشادها، ۱۳۸۱: ۱۰۸). علامه طباطبایی معتقد است اوپانیشادها حاوی توحید ناب است. استاد مطهری نیز در وصف توجه علامه به اوپانیشادها چنین می‌گوید: "وقتی در چندین سال پیش برای اولین بار اوپانیشادها را خوانده بودند، خیلی اعجاب داشتند و می‌گفتند که مطالب بسیار بسیار بلندی در این کتابها هست که کمتر مورد توجه است" (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۳۷).

تمثیل‌گرایی در هندوئیسم

«راداکریشنان» می‌گوید همانطور که یک جوهر به حکم اعراض متعدد در مدر که ما از راه حواس با حالات گوناگون دیده می‌شود، همان‌طور هم، ذات مطلق به حکم روایات گوناگون دینی به اشکال مختلف درک می‌شود (راداکریشنان، ۱۳۴۴: ۳۴۶). همچنین «بوریحان بیرونی» در «تحقیق ماللهند» معتقد است عامه از درک مفاهیم صرفاً انتزاعی عاجز است و تمایل به این دارد آنها را در قالب محسوس درک نماید، چنان که طباع گوناگون مشتاق است به محسوس و گریزان است از معقول و جز دانایان که به هر زمانی و مکانی موصوف به قلت‌اند، تعقل آن نکنند (بیرونی، ۱۳۶۲: ۸۳) و اشاره دارد رفتار هندوها بت‌پرستی نیست و شبیه رفتاری است که مردم ما در مکان‌های مقدس و در برابر اشیای مقدس انجام می‌دهند (همان: ۲۷)؛ (تصاویر ۳ و ۲). بسیاری از احکامی که ما به عنوان احکام شرعی می‌شناسیم در مسیحیت، اسلام و ادیان دیگر، آداب و رسوم، و سنت‌ها و احکامی است که در جامعه وجود داشته‌اند. در خود اسلام نیز بسیاری از آنچه ما احکام شرعی اسلام می‌دانیم از

داراشکوه پسر شاه‌جهان دستور داد اوپانیشادها^۳ را ترجمه کنند و خودش چند کتاب درباره روابط دینی و عرفانی هندویی و عرفان اسلامی تألیف کرد و کوشش‌های فراوانی انجام داد تا نشان دهد جنبه‌های الهی و معنوی دو دین اسلام و هندویی در حقیقت یکی است. داراشکوه به بیان این مطلب پرداخت که دین یک چیز است و فقاقت و شریعت چیز دیگر (مجتبایی، ۱۳۸۲: ۲۳ و ۲۹).

سرّ اکبر، عنوان ترجمه فارسی پنجاه اوپانیشاد به وسیله داراشکوه است. آرزوی بلندپروازانه اکبرشاه و همچنین داراشکوه پسر شاه‌جهان، در مورد تحقق مذهبی جهانی (دین الهی) که هندوان و مسلمانان بتوانند در سایه آن متحد باشند و اثبات یکسانی معرفت نظری اسلام و توحید ادوایتی^۴، گرچه نتوانست تفکر هندی را در فرهنگ اسلامی جای دهد، ولی تلاش‌های مذکور دوره‌ای ممتاز را در زمینه تفکر اسلامی و هندویی رقم زد که ارزش‌های تردیدناپذیر آن هنوز شناخته نشده است (شایگان، ۱۳۸۲: ۹).

در «اوپانیشادها» یک اصل ثابت وجود دارد و آن اینکه کل اشیای خواه مادی و خواه معنوی اعم از صور بشری، حیوانی و نباتی و یا اجرام علوی، عناصر و ارواح مجرد، خدایان همه و همه در دریای حقیقت وحدت مستغرق است و آن عالم، مافوق عالم محسوسات است و منتهای عالم ماده و ذاتی غیر محدود و قائم به نفس بوده و او حق است و بس (ناس، ۱۳۸۱: ۱۴۹).

"اوپانیشادها در واقع و نفس الامر «جنگی» از مطالب متنوع و نقل قول‌ها و ضرب‌المثل‌ها و سرودها و ادعیه‌ای هستند که غالباً اجزای هریک از آنها با یکدیگر چندان همبستگی و ارتباطی ندارند. تعلیمات اوپانیشادها را می‌توان «علم الهی و توحید»

تصاویر ۲ و ۳. مسلمان و هندو در زیارتگاه حاجی علی، بمبئی، هند. عکس: شهره جوادی، ۱۳۹۱.



است که هر مسلمان به خصوص شیعیان در دیدار از هند با آن مواجه می‌شوند. البته این ظاهر قضیه است و باید اذعان داشت جلوه صفات خداوند در آیین هندو به مرحله تمثیل نزول یافته و از آن فراتر نرفته و در قالب پیکره‌ها متوقف شده است در حالی که نقش خدای واحد که در پس این پیکره‌ها نهفته به قدری کمرنگ شده که به جای خدا، بت ساخته شده پرستش می‌شود.

علامه طباطبایی می‌فرماید: مطالب عرفانی در اوپانیشادها جز یک توحید دقیق و بسیار عمیق مقصدی ندارد ولی این سخنان پایدار و استوار به اندازه‌ای بی‌پرده و دریده بیان شده است که برای مراجعه‌کننده‌ای که از مطالب عرفانی اطلاع کامل ندارد، سخنان نغز و استوار آن را جز یک رشته افکار خرافی نخواهد دانست و از بیاناتی که توحید حق را با کمال دقت وصف می‌کند، جز حلول و اتحاد و افکار بت‌پرستی نخواهد فهمید. گواه این نظریاتی است که مستشرقین سانسکریت‌شناس در عرفان هندی می‌دهند. کسی که با تأمل عمیق اوپانیشادها را بررسی کند خواهد دید که هدفی جز توحید خالص و یگانه‌پرستی ندارد ولی متأسفانه چون بی‌پرده و لفافه بیان شده، در افکار عامه به شکل بت‌پرستی و اعتراف به خدایان بسیار درمی‌آید (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۸).

همچنین علامه در تفسیر المیزان جلد ۱۰ می‌فرماید: آنچه از کتاب اوپانیشادها به دست می‌آید چه بسا با عقاید برهمنه مطابقت ندارد. اشکالی هم که به این مذهب و سنت اجتماعی وارد است همین است که زیربنای آن هرچند معارفی است که در هر دوره تنها چند نفر انگشت‌شمار آن را می‌فهمند (و این نمی‌تواند برای کل جامعه مفید باشد) اما این آموزه‌ها بسی بلندتر از افق فهم عامه مردم است و تنها پیرامون محسوسات و مخیلات دور می‌زند و بیش از آن نصیبی از درک ندارد و فهم و عقل عامه که هیچ‌گونه مهارت و آشنایی از معارف حق ندارد از درک چنین مطالبی پیاده و عاجز است. از آنجا که انسان فطرتاً و براساس آفرینش زندگی جمعی دارند چنانچه در درک سنت حیات با هم فاصله داشته باشند و فقط افراد انگشت‌شمار آن سنت را بفهمند و دیگران نفهمند، تحمیل چنین سنت و دینی بر اجتماع در حقیقت لغو سنت فطرت و مخالفت با طریقه خلقت است.

ملاحظه می‌شود نظریه غالب محققان در دو نکته اشتراک کلی دارد: اول آن که در دست‌نبودن متن دین و حبس شدن شریعت هندو در دست گروهی خاص از برهمنان و عدم اطلاع عامه از محتوای آیینی خود، زمینه تفسیرهای فردی و عامیانه از دین را فراهم ساخته و به رواج افسانه‌ها و خرافات انجامیده، و دیگر آن که حقیقت اعتقادات هندو به وجود خالق واحد گواهی می‌دهد، اگرچه جلوه‌های آن را در اشیاء و ساخته‌های انسانی قابل می‌شود.

جامعه گرفته شده و گاه با همان معنای سابق حفظ شده است و قالبش را نگه داشته‌اند. به هر حال برای اینکه در جامعه پذیرفته و مردم اینها را محترم بشمارند، باید پشتوانه داشته باشند (مجتبایی، ۱۳۸۲: ۳۹).

برهما، شیوا، ویشنو و کریشنا که جلوه‌های گوناگون از خدای واحد هستند هرکدام نیایشگاهی دارند که با طلوع و غروب خورشید دینداران نزد ایشان به نیایش می‌آیند. این آیین با قبول اینکه خدایان امروزی تجلیات مختلف خدای واحد و صفات اوست سازگاری ندارد. اما تعارض میان تصریحاتی که در متون کهن هندوئیسم با آیین امروزی آن دیده می‌شود این‌طور قابل تفسیر است که در طول تاریخ و با دورافتادن از حقیقت و متن هندوئیسم، تدریجاً خدایان این آیین که جلوه‌های خدای واحد بوده‌اند به عنوان خدایان مستقل شناخته شده و اینک مستقلاً ستایش می‌شوند. در قرآن کریم نیز صفات خدا و توصیف عالم مجردات و بهشت و جهنم در قالب کلام به صورت مادی و این‌جهانی جلوه‌گر شده‌اند. چنانکه رحمان، رحیم، کریم، غفار، جبار، عالم، قاصم و... از صفات باری تعالی بوده که هرگز به تصویر کشیده نشده است؛ درحالی که فرشتگان با وظایف متفاوت در قالب موجودی با بال‌های زرین و چهره نورانی چون جبرئیل با شکوه و جبروت که ارزش‌های این‌جهانی است در قالب کلام مجسم شده‌اند. در توصیف بهشت درختان میوه، جوی‌های پر شیر و عسل، چشمه کوثر و حوریان زیبارو به وصف درآمده‌اند که همه عناصر مادی و شناخته شده برای انسان خاکی هستند و از جهنم و عذاب آن نیز با آتش و قیر داغ و... آنچه در زندگی زمینی با درد و رنج توأم بوده یاد شده است.

آنچه مسلمانان جهان بی‌چون و چرا به آن باور دارند ذات احدیت و آفریننده مطلق است. زیارتگاه خاص او کعبه و پیام جهانی‌اش وحی بوده که از طریق قرآن کریم به وسیله پیامبر و جانشینان او تاکنون جاری است. آنچه امروز عامی‌ترین و عارف‌ترین مسلمان را به مسجد و مزار بزرگان دین می‌خواند ارتباط مستقیم با خدا (نماز) و یا توسل به مقدسین است که شخصیت‌های حقیقی بوده‌اند.

میان توسل در تفکر اسلامی و هندویی تفاوت آشکار و اساسی دیده می‌شود. صفات خداوند در اعتقاد اسلامی هرگز به تصویر کشیده نشده و در قالب انسانی یا حیوانی تجلی نیافته است بلکه جلوه‌های ذات حق و صفات او در مظاهر طبیعت از حیوان، نبات، انسان و آنچه در زمین و آسمان است ظهور یافته و به روایت قرآن، آیه‌های خداوند خوانده شده‌اند. این آیات با تأمل در حقیقت انسان و عناصر طبیعت به قبول حضور باری تعالی منتهی می‌شود. اما در خصوص مخلوقات مجرد مانند شیطان و فرشته در قالب شعر و ادبیات با تکیه بر قرآن کریم و احادیث مطالبی آمده و گاه به تصویر نیز کشیده شدند.

مقایسه ابوریحان از ظاهر مناسک مسلمانان و هندوها چیزی

نتیجه گیری

یکتاپرستی و تجلی خداوند در دین تکوینی یا فرهنگ و آیین هندوئیسم به گونه تمثیلی بوده که در باور اصیل هندویی از مبدأ و ذات احدیت (پراجاپاتی) و معاد کبری (مهاپرلی) یاد شده است؛ اما در گذر زمان برهنه ها انحرافات در حقیقت و جوهر دین وارد کردند که به تدریج دین عوام به خرافه و بت پرستی کشید و مذهب برهمنی به قدرت رسید که تثلیث هندویی (برهما، ویشنو و شیوا) از آن برخاست. در بینش عرفانی بسیاری از ادیان جوهر توحیدی دارند، اما تلقی توحید در ادیان سامی متفاوت با هندوئیسم است.^۵ خداوند به گونه های مختلف نزد دین داران جلوه گر می شود. آنچه توحید اسلامی را از توحید ایرانی و هندویی متمایز می سازد، درک متفاوت از خداوند یا ذات احدیت است؛ در تفکر اسلامی روایت صفات خدا در قالب کلام آمده و با تمثیل گرای هندویی و ایرانی و بازتاب آن در مجسمه ها و تمثال های انسانی و حیوانی تفاوت دارد.

آنچه از گذشته تاکنون به ماجراهای این آیین کهن دامن زده و امروز جمعیت یک میلیارد و اندی هندو را با تمدن غنی به فقر و خرافات سوق داده همانا بهره برداری استعمار و استثمار از سرزمین پهناور هند است که آن را تبدیل به موزه ادیان و باورها کرده است. در حقیقت، حضور استعمار و بهره برداری از باورها و تحریف مذهب، هندوان را در دنیای تمثیل و خرافه وارد ساخته است. اگرچه در ذات این باورها و رسوم خرافی، اعتقاد به توحید نهفته است.

پی نوشت

۱. شاید بتوان به جای واژه سامی واژه ابراهیمی را بکار برد (مجتبایی، ۱۳۸۲: ۲۰).
۲. آیین: پوسته ظاهری دین، یا تجلیات جوهر و ذات نهفته در باورها و ادیان.
۳. Upanisads: به معنای نزدیک نشستن و کنایه از آموختن اسرار دین؛ نام رساله های فلسفی، اخلاقی و دینی کتاب های چهارگانه «ودا» است که این رساله های کوتاه بعد از وداها نوشته شده و چرخشی را در برابر قشریت وداها ایجاد کرد. اپانیساده از سه جزء "اپا" نزدیک، "نی" پایین و "ساد" نشستن، مرکب شده است و طبق نظر ماکس مولر مراد از آن تعلیمات شفاهی است که مرشدان به مریدان نزدیک خود می داده اند. عده ای دیگر از محققان معتقدند کلمه اپانیساده به معنی حقیقت درون و علم رمزی است. "شانکارا" اپانیساده را از ریشه "ساد" به معنی از بین رفتن انگاشته است چه به نظر او هدف غایی اپانیساده انهدام نادانی و عرضه داشتن معرفت الهی است که پل رستگاری و آیین زنده آزادی به برگزیدگان است (شایگان، ۱۳۶۲: ۹۶).
۴. Advaita: توحید عاری از ثبوت. برای اطلاع بیشتر نک. شایگان، ۱۳۶۲.
۵. تلقی اسلام از توحید نیز تفاوت بنیادین با دیگر ادیان دارد که به این مهم در نوشتاری دیگر پرداخته خواهد شد.

فهرست منابع

- ابراهیمی دینانی. غلامحسین و قربانی آندرسی، معصومه. ۱۳۸۸. ارتباط اصالت وجود با وحدت وجود در اثبات توحید واجب الوجود. *مجله اندیشه نوین دینی*، ۵ (۱۶): ۳۱-۵.
- *اپانیساده (سر اکبر)*. ۱۳۸۱. ترجمه: محمد داراشکوه به سعی و اهتمام تاراچند و محمدرضا جلالی نایینی. تهران: انتشارات علمی.
- بیرونی، ابوریحان. ۱۳۶۲. *تحقیق ماللهند*. ترجمه: منوچهر صادقی سها. جلد اول. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- رادا کریشنن، سروپالی. ۱۳۴۴. *ادیان شرق و فکر غرب*. ترجمه: شفق رضازاده. تهران: نشر مختار.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۶۴. *تاریخ مردم ایران، پیش از اسلام*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- شایگان، داریوش. ۱۳۶۲. *ادیان و مکتب های فلسفی هند*، ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- شایگان، داریوش. ۱۳۸۲. *آیین هندو و عرفان اسلامی*. ترجمه: جمشید ارجمند. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- شوالیه، ژان و گربران، آلن. ۱۳۷۸. *فرهنگ نمادها*. ترجمه: سودابه تفضلی. ج اول. تهران: نشر چیچون.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۸۶. *قرآن در اسلام*. به کوشش سیدهادی خسروشاهی. تهران: بوستان.
- کشیتی، مهن سن. ۱۳۵۴. *آیین های هندو*. ترجمه: ع پاشایی. تهران: نشر جهان کتاب.
- مجتبایی، فتح الله. ۱۳۸۲. *ادیان هند. مجله هفت آسمان*، ۵ (۱۸): ۱۱-۴۰.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۲. *انسان کامل*. تهران: انتشارات صدرا.
- معین، محمد. ۱۳۵۵. *مزدیسنا و ادب پارسی*، جلد اول. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مهین پو، محمد. ۱۳۴۰. *بودا چه می گوید، برهما کیست؟ مباحث انتقادی از اصول و عقاید بوداییان جهان و برهما هندوستان*. تهران: چاپخانه موسوی.
- ناس، جان یایر. ۱۳۸۱. *تاریخ جامع ادیان*. ترجمه: علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.